

نسخ خطی اسلامی و سابقه تاریخی آنها

ایرج افشار

مقدمه

تحریر درآمده است و ما امروز آن را ترکی استانبولی می‌نامیم . نسخه‌هایی که در زبانهای کردی ، اردو ، بلوچی و پشتو دیده می‌شود اکثراً از آن دو سه قرن اخیر است . درینجا باید به یک نوع خاص از نسخه‌های خطی فارسی اشاره شود و آن نسخه‌هایی از آثار زبان فارسی به خط عبری است که در اصطلاح فرنگی به Judeo-Persian می‌گویند . این کتابها در سالهای اخیر مورد تحقیق دقیق عده‌ای از ایرانشناسان خارجی قرار گرفته است . برای این نوع نسخه‌ها نگاه کنید به مقاله دقیق آسموسن که به زبان انگلیسی انتشار داده است^۱ .

انواع نسخه‌ها

نسخه‌های خطی را از نظر گاه جغرافیائی نیز می‌توان مورد سنجش قرار داد . از ظواهر هر نسخه (یعنی خط و جلد و آرایش آن) می‌توان حکم کرد و البته بطور نسبی دریافت که نسخه مورد نظر در کدام گوشه از پهنه اسلامی جهان به وجود آمده است .

بطور کلی شیوه‌هایی که درین زمینه قابل تحدیدست عبارت است از ایرانی (که خود به دسته‌هایی مانند تبریزی ، شیرازی ، اصفهانی ، هراتی ، بغدادی ، سمرقندی قابل انقسام است) ، هندی ، رومی (یعنی آنچه در صفحات شامات و اناطولی و روم شرقی نوشته شده و اصطلاحاً ترکی هم گفته می‌شود) ، ماوراءالنهری (بیشتر مربوط است به اسلوبی که از عهد صفوی در صفحات شمالی خراسان پیدا شد) ، مغربی

مراد از نسخه‌های خطی اسلامی آثاری است که به خط عربی و به زبانهای عربی ، فارسی ، ترکی جغتایی ، ترکی استانبولی (لهجه قلمرو عثمانی) و اردو و مقداری هم به زبانها و لهجه‌های اردو ، کردی ، پشتو ، بلوچی و بعضی لهجه‌های دیگر مربوط به این زبانها کتابت شده است .

اکثریت نسخه‌های خطی اسلامی به زبان عربی است ، این زبان هم زبانی دینی مردم مسلمان بوده است و هم قرن‌ها زبان علمی قلمرو اسلامی جهان . در مرتبه بعد نسخه‌های فارسی قرار دارد اما نسخه‌های فارسی از حیث کیفیت هنری و آرایش‌گری بر نسخه‌های زبانهای دیگر ارجحیت دارد .

هنرمندان باریک‌اندیشه ایرانی در قرآن کریم و متون ادبی فارسی و کتبی نظیر صحیفه سجادیه و کلمات قصار و ادعیه ، ذوق و استعداد خود را به نهایت استادی به مرحله جلوه رسانیده‌اند .

عده‌ای از متون زبان فارسی میدانی گشاده‌تر و آماده‌تر برای هنروری آنها بوده است ؛ مثل شاهنامه ، خمسه نظامی ، مثنوی مولانا ، کلیات سعدی و دیوان حافظ و عده‌ای از آثار جامی و بسیاری از منظومه‌های حماسی و عاشقانه و دینی دیگر که جای نام آوردن از آنها درین مقال نیست .

بطور کلی میتوان گفت که سهم ایرانیان در ایجاد نسخه‌های خطی آرایشی و مزین و اصولاً در گستردن «تمدن کتابی» اسلامی بیش از سایر اقوامی است که به دین اسلام گرویده‌اند .

نسخه‌های مربوط به زبان ترکی به دو گروه تقسیم می‌شود . یک دسته آنهاست که به زبان ترکی جغتایی است و اغلب در صفحات خراسان و ماوراءالنهر نوشته شده . آثار باقی مانده مربوط به این زبان را در کتاب با ارزش هوفمن هلندی باید شناخت^۲ . دسته دیگر آنهاست که به زبان ترکی رایج در ولایات و متصرفات روم شرقی (عثمانی) به رشته

1) H. T. Hofman: Turkish Literature. A Bio-Bibliographical Survey. Utrecht. 1969. 2 vols.

2) Jes P. Asmussen: Classical New Persian Literature in Jewish - Persian versions. Studies in Bibliography and Booklore. viii (1968): 44-53.

و به سفرها رفتن آن بسیار خواندنی و عبرت آموزست . چه بسیار که يك نسخه خطی در طول حیات يك هزارساله خود صدها مرحله را پیموده و به چنده کتابخانه بزرگ وارد شده و به دست سلاطین و وزیران لمس شده و دانشمندان و شاعران نامور آن را خوانده اند . چه بسا که چند بار ، به غارت رفته و چند ده بار به خرید و فروخت رسیده و احیاناً هبه و بخشش شده و فرزندی از پدری آن را به مرده ریگ برده است . عاقبت هم یا سوخته یا به آب افتاده و یا موربانه اش خورده . بسیار از نسخه ها خاک شده و در زمین مدفون گردیده است . اما بسا نسخه ها که هنوز در گوشه ای سالم و محفوظ مانده و احیاناً فهرست شده و مورد استفاده علمی قرار گرفته است . بسا نسخه ها هم که بصورت ناشناخته و فراموش شده از چشمها مخزون مانده است .

دیوان کمال الدین اسمعیل اصفهانی ، خط محمد صالح خاتون آبادی
کتاب ۱۰۴۸



(مراد آنهاست که در صفحات مغرب - به اصطلاح قدیم آن - یعنی سودان و مراکش و دیگر قسمتهای اسلامی افریقا تحریر شده است) ، حجازی و یمنی .

نسخه های خطی از دیدگاهی دیگر نیز تقسیم پذیر است . مراد شیوه ای است که در طرز کتاب و میزان آراستگی و نحوه ترکیب نسخه به کار رفته و بطور کلی به شرح مذکور در ذیل است :

نسخه های آرایشی و هنری یعنی آنها که به خط خوش و با جدول و تذهیب و تشعیر و سرلوح و شمشه و ترنج و پیشانی و لچک و گاه با مجالس و صورتها ترتیب یافته یا اوراق آنها را زرافشان کرده اند و از حیث تجلید هم دارای جلدهای سوخت معرق ، ضربی یا روغنی بوده است .

این نوع نسخه همواره گرانبها بوده و اکثراً « برسم خزانه » ملوک و امراء و وزرا و بزرگان دیگر نوشته شده است . اصطلاحاً نسخ ممتاز از این نوع را « سلطنتی » (شاهانه) می گویند . در قدیم ، گاه این نوع نسخ را که برای سلاطین نوشته می شود به قطع بزرگ (تقریباً به اندازه روزنامه های امروزی) می ساختند . به همین ملاحظه است که به يك نوع کتاب قطع بزرگ « سلطانی » می گفتند .

دیگر نسخه هایی است که به منظور استفاده و در اختیار داشتن توسط مردم عادی یا دانشمندان استنساخ شده است و از هر نوع تزئین و آرایش عاری است ، مگر اینکه در بعض موارد نویسنده نسخه از شنگرف برای عنوانها و نقطه گذاریها و نشانها استفاده می کرده است و آنها را می توان « کتابتی » خواند .

نسخه هایی که به خط خوش کاتبان و خوشنویسان حرفه ای کتابت شده و کاتب نسخه چنین خدمتی را با دریافت اجرت انجام می داده است . این نسخ ممکن است که ضمناً آرایشی هم باشد . گفتن اصطلاح « تحریری » احتمالاً در مقابل « کتابتی » عاری از مناسبت نیست .

« نسخه های خط مؤلف » که از مهمترین انواع است به سبب اعتبار صحت ضبط آن و نیز به علت در دست داشتن خط علما و دانشمندان واجد اهمیت خاص است .

نکنه ای را هم پیش از ختم این مبحث باید یادآوری کرد و آن ادامه سنت نسخه نویسی اسلامی در صنعت چاپ کتاب است ، بدین معنی که در آغاز آشنا شدن ممالک اسلامی با این صنعت ، طرز صفحه بندی و آرایشگری درون و برون کتاب چاپی منطبق بود با آنچه در نسخه های خطی مرسوم بود . در کتبی که به چاپ سنگی طبع شده مخصوصاً سنت قدیم کاملاً رعایت می شده است .

تهیه و تملك و وقف

دوران زندگی يك نسخه خطی و دست به دست گشتن

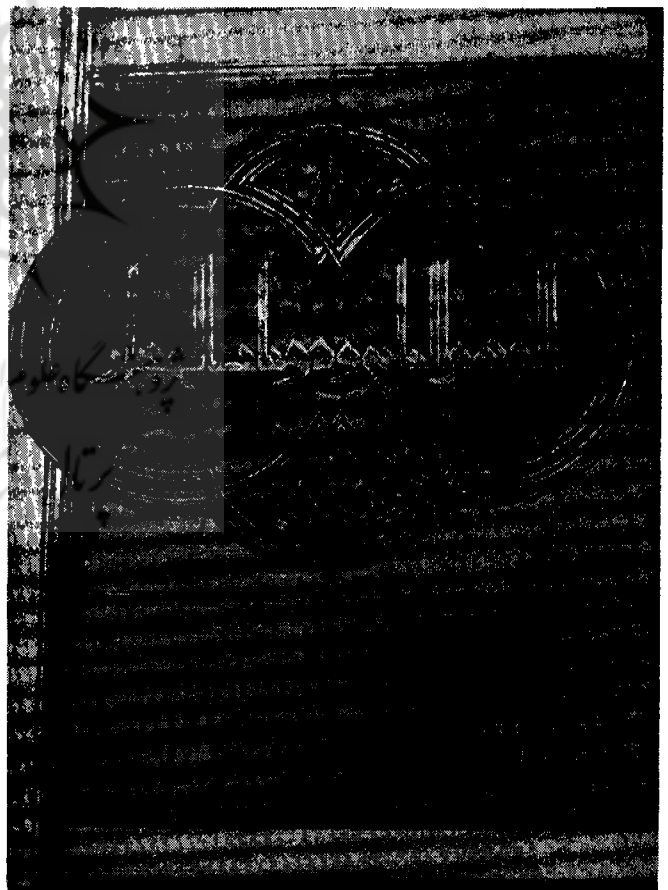
بی مناسب نیست که بیت کم ارزشی را که حکایت از سیر و سفر کتاب دارد و در قرون اخیر سروده شده است نقل کنم :

می‌رود این کتاب البته تا به بغداد و مصر و کلکته !
با تجسی که در عده‌ای متعدد از نسخ خطی کرده‌ام و سرگذشت جسمی آنها را مورد مطالعه قرار داده‌ام حوادث و سوانحی را که بر سر آنها آمده اجمالاً به شرح زیر می‌توان بازگو کرد .

خرید و فروش

طبعاً طریقه عادی تهیه نسخه ، خریدن آن بوده است . فروشندگان نسخه (کتاب) در قرون اولی اسلامی به نام وراقان خوانده می‌شدند . در آن عصور آنها مردمی بودند که خود به دنیای دانش بستگی داشتند . اغلب کتابشناس و دانشمند و شاعر و احیاناً خوش‌نویس (به اقتضای دوره‌های مختلف) بوده‌اند .

نهج البلاغه - خط شیخ زاده سهروردی شامگرد با قوت کتابت ۷۲۸



اصحاب این حرفه در شهرهای مهم آن روزگاران در راسته بازاری خاص به کسب مشغول بودند ، مانند سوق الوراقین (بازار وراقان) بغداد که ذکر آن در عده‌ای از کتب از جمله در الفهرست ابن‌الندیم (ص ۲۰۹) و در تاریخ‌الحکمای قفطی (ص ۵۷۵ ترجمه فارسی) آمده ، یا بازار وراقان بخارا که ذکر آن در تاریخ‌الحکمای شهرزوری (۲ : ۱۲۸ ترجمه فارسی) نقل شده است . دکان وراقان مرکز تجمع و رفت‌وآمد اهل فضل و ارباب دانش بود .

روایت ابن‌الندیم در الفهرست آنجا که گوید که جاحظ بعضی از اوقات دکان وراقی را شبانه اجاره می‌کرد و در آنجا می‌ماند تا خواندن کتب مورد علاقه خود را تمام کند (الفهرست ۱۶۹) نمونه‌ای است از این ارتباط . ما در جای خود بنحو مبسوط‌تر به تشریح وضع وراقان و حرفه آنها اشاره خواهیم کرد .

در خرید و فروخت کتاب افرادی دیگر دست‌داشته‌اند که «دلالی» می‌کرده‌اند و البته مقام اجتماعی و رتبه علمی وراقان را نداشته‌اند . عنوان این گروه مردم در کتب و مراجع به همین صورت « دلال » ذکر شده است ، مانند ابو محمد عبدالعزیز بن الحسن القاری که راوی و قاری بود و در تاریخ جرجان ذکرش به لفظ دلال‌الکتب آمده است (ص ۲۰۸) ، یا شخصی به نام محمد که به دلالی کتاب اشتغال داشت و در درة الاخبار و لمعة الانوار در باره او ذیل احوال ابن‌سینا می‌خوانیم که : « روزی در بازار صحافان طواف می‌کرد ، محمد نامی دلال کتابی در مزاد انداخته بود . . . » (ص ۳۱) و این حکایت همان حکایتی است که از ابن‌سینا در باب خرید نسخه‌ای از آثار ابونصر فارابی توسط دلال در تاریخ‌الحکمای قفطی (ترجمه فارسی ۵۵۸) نقل شده است بنا برین مسلم است که دلالان در امر خرید و فروش مؤثر بوده‌اند .

خرید کتب را به دو نوع می‌توان تقسیم کرد : یکی عبارت بوده است از کتب تازه نویسی که اغلب به صورت استکتاب و سفارش دادن تهیه و کتابت می‌شد . این کاری بود که در قرون اولی اسلامی وراقان بدان می‌پرداخته‌اند و در قرون بعد کاتبان .

قسم دیگر فروش کتاب دست دوم است ، یعنی کتبی که توسط اشخاص به عللی مختلف به فروش می‌رفت . در کتب و قصص و اخبار اطلاعات متنوعی از این نوع خرید و فروش به دست می‌آید ، مانند آنکه کتابهای جعفر بن احمد مروزی پس از وفاتش از اهواز به بغداد حمل شد و در محلی به نام طاق‌الحرانی متصل به سوق‌الوراقین در سال ۲۷۴ هجری به فروش رفت . (الفهرست ص ۲۱۴)

یا آنکه کتابهای ابومعاذ عمر بن شبه را پسرش ابوطاهر به ابوالحسن علی بن یحیی فروخت . (الفهرست ص ۱۶۳) .

است که ابوسهل بن نوبخت گفت که اردشیر بابکان مردمی را به هند و چین و روم اعزام کرد تا از کتابهای آن ممالک نسخه برداری کنند و مقدار کمی هم از عراق جمع کرد و نیز گوید که شاپور پسر اردشیر و انوشیروان نیز همین شیوه را دنبال کرده اند (الفهرست، ترجمه فارسی ص ۴۳۷). نظیر این قصه یا حقیقت را برای اسکندر هم در کتب نوشته اند. نیز ابن ندیم در الفهرست نوشته است که مأمون جمعی را به سرزمین روم فرستاد تا مقداری کتب موجود در آنجا را برای بیت الحکمه او در بغداد بیاورند. از همین کتابهاست که قسمتهایی را مترجمان اولیه از زبانهای یونانی و سریانی به عربی درآوردند. (الفهرست ترجمه فارسی ص ۴۴۴).

اهداء کتاب

کتاب از راه بخشش وارث هم به تملك اشخاص می رسيد. هم اکنون نسخ خطی متعدد موجود است که پشت آنها نام اهداء کنندگان و گیرندگان ثبت شده است. از مهمترین بخشها اهدای کتابخانه ققطی به توسط خود اوست بهای آن کتابخانه پنجاه هزار دینار بود. چون وارثی نداشت به ملک ناصر صاحب حلب تقدیم کرد (مقدمه فارسی تاریخ حکمای ققطی ص ۱۹ بنقل از فوات الوفيات ابن شاکر ۲: ۱۹۲).

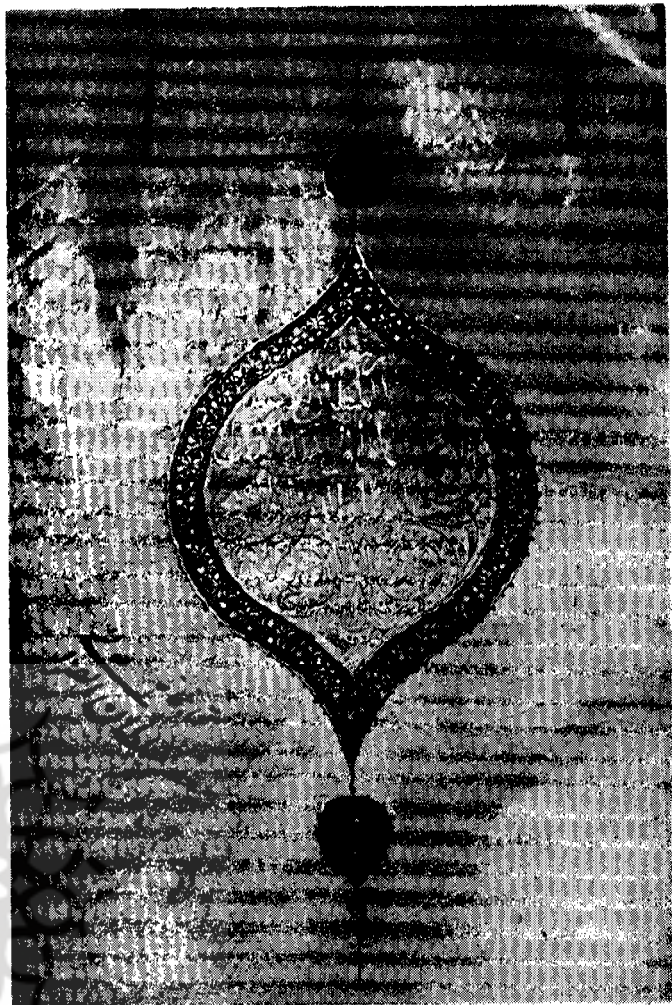
ازین نوع نسخ باید نسخه هایی اشاره کرد که توسط مؤلفان، کاتبان، هنرمندان برای خزانة و کتابخانه خلفاء و پادشاهان و امراء و صدور و دانشمندان کتابت و اهداء شده است و طبعاً ابتدا به تملك اشخاصی در می آمد که کتاب برای آنها تهیه می شد و البته بعضی اوقات هم طبق دستور و سفارش کتابت می کردند. مانند بسیاری از نسخ که هم اکنون در کتابخانه سلطنتی محفوظ است. بطور مثال قرآنی را ذکر می کنم که اسدالله شیرازی نوشته و چنین رقم کرده است: «حسب الاشارة اعلى حضرت ناصر الدین شاه اسدالله شیرازی سنه ۱۲۶۸» (احوال و آثار خوشنویسان ص ۶۳).

مرسوم بر این بود که این نوع نسخ را به تناسب مقام و منزلت کسی که نسخه برای اهداء بدو تهیه می شد آراسته می ساختند و نام و القاب او را معمولاً داخل ترنج ثبت می کردند. در اینجا چندتا را بطور نمونه ذکر می کنم.

— برسم خزانة سلطان الاعظم و خاقان الاعدلسلطان شاه رخ بهادرخان (نسخه رساله ای درسلك ملوك از تألیفات جلال قائمی هروی در کتابخانه وین که کراباچک عکس شمسه آن را نقل کرده است).

— برسم کتبخانه شاهزاده

مه برج تمکین گل عیش و شادی



جنگ ابراهیم میرزا تیموری

یا آنکه ابوالفتح نحوی نوشته بوده است که در جایی خواندم که ابوبکر بن درید گفته بوده است که یکی از ورثان کتاب العین خلیل بن احمد را که به خط همو بود در سال ۲۴۸ از خراسان به بصره آورد. این کتاب در چهل و هشت جزء بود و به پنجاه دینار فروخته شد. (الفهرست ص ۶۴)

یا آنکه بقول هندوشاه نجفوانی «زنی بگذشت و سبدی پر از اوراق و کراپس و کاغذ کهنه ها با او بود می فروخت. آن را به اندک چیزی خریدم و چون اوراق و اجزاء را تفتیش کردم در آن میان دفتری یافتم به خط ابوعلی بن مقله» (تجارب السلف ص ۲۶۲)

تهیه کتاب از سرزمین های دور و مختلف برای کتابخانه های بزرگ همواره مورد نظر صاحبان آنها بوده. ابن ندیم نوشته

سهر کمالات بهرام مرزا
که مثلش کسی نیست در هیچ وادی
چو تاریخ اتمام پرسید گفتم
ابوالفتح بهرام عادل نهادی

(از مرقعی که دوست محمد هروی برای بهرام میرزا
صفوی در سال ۹۵۱ تهیه کرد و اکنون در خزینه اوقاف
استانبول است ، احوال و آثار خوشنویسان ص ۱۹۰) .

— برسم خزانه سلطان الاعظم الاعدل مغیث الدین والدین
ابوالفتح ابراهیم سلطان (نسخه انیس الناس متعلق به کتابخانه
مجلس شورای ملی) .

— لخرانه کتب الامیر الاسفهلار الاجل الکبیر العالم
العادل المؤید المظفر المنصور حسام الدولة والدین رکن الاسلام
والمسلمین عرس الملوک والسلاطین سید الامراء ابی الحسین
علی بن عمر مال (کذا) اطال الله بقاء (نسخه مورخ ۵۸۶ گجهان
شناخت ، بنقل از یادداشت‌های قزوینی ۶ : ۲۹۰ - ۲۹۴)

— برسم خزانه کتب ملک الوزراء الدین عماد
الاسلام بن عزیز الدین بن سیف بن صاحب السعید
نظام الدین (نسخه فوائد السلوک متعلق به کتابخانه ملی ملک
شماره ۴۰۱۴) .

— برسم مطالعه حضرت آسمان شکوه خداوندگار عالمیان
پشت و پناه اسلامیان المؤمنین من السماء والمظفر علی الاعدا
مغرب الحضرة العلیا . . . بدرالدوله والدین لؤلؤ مدالله ظلّه
علینا (نسخه جوامع الحکایات عوفی جلد دوم مورخ ۷۱۵ چاپ
شده بصورت عکسی . تهران ، کلاله خاور ۱۳۳۵ شمسی) .

— برسم کتب خانه شهریار ابوالفتح بهرام جم اقتدار
(نسخه مخزن الاسرار بسیار ممتاز زرکشیده که متعلق به دکتر
رضا صحت بود و اینک در کتابخانه آستان قدس رضوی است) .
— برسم خزانه کتب السلطان الاعظم غیاث السلطنة
والدین بایسنغر بهادرخان (نسخه شاهنامه و خمسه خط محمد بن
مطهر بن یوسف نیشابوری مورخ ۸۳۳ - کتابخانه ملی ملک) .

— نسخه‌ای از غزوات مورخ محرم سال ۷۷۶ هجری
که به خزانه علاء الدین محمد (ظاهراً از وزراء) تقدیم شده
بوده است (متعلق به کتابخانه اصغر مهدوی) .

— برسم خزانه ابوالفتح پیربوداق بهادر
خان من رشحات اقلام مولانا یوسف امیری (نسخه
دیوان امیری به خط میرشرف الدین حسین مشهدی در ایاصوفیه
از آثار واحوال خوشنویسان مهدی بیانی ۱۵۶) .

غارث کتب

غارث کتب از سوانح مهمی است که در تاریخ کتب
اسلامی قابل مطالعه است . در اغلب حادثه‌ها و وقعه‌های تهاجمی

و جنگی که در طول تاریخ ایران و ممالک دیگر دیده می‌شود
از غارت کتب اخبار و نشانه‌ها دیده می‌شود .
در باره غارت کتب ایران در هجوم اسکندر و هنگام
فتح اعراب نظرهایی ابراز می‌شود که هنوز بطور تحقیق
کیفیت و کمیت قضیه کاملاً روشن نیست و در باب آن بحثی
نمی‌کنیم .

در ترجمه حال ابن سینا راجع به غارت کتب او روایتی
در کتب تواریخ حکما از جمله درة الاخبار و لمعة الانوار
(ص ۴۲) و نیز در ترجمه تاریخ الحکمای شهرزوری آمده
است بدین صورت که کتاب انصاف او که از تصانیف مهم او
بود در جنگ ابوسهل زوزنی با علاءالدوله ضمن اسباب و
آلات دیگر آن عالم به غارت رفت (تاریخ الحکمای شهرزوری
ترجمه فارسی به نام کتر الحکمه ۲ : ۱۳۵) .

در کتاب مسامره الاخبار و مسایرة الاخیار تألیف محمود بن
محمد مشهور به کریم قسرائی که در باب تاریخ سلاطین
سلجوقی در روم شرقی است اطلاعی از غارت کتب قاضی
صدرالدین توسط نظام الدین یحیی وزیر خراسان که در سال
۶۹۹ مأمور جمع‌آوری مال (= مالیات) روم شده بود
مندرج است و گوید که دویت مجلد کتب نفیس او را به
غارث برد بدین عبارت : «در توفقات عورات قاضی صدرالدین
مقتول را به دست عوانان ظلمه . . . باز داد . بعد از آنکه
دویت مجلد کتب نفیس او به غارت برد بیست هزار دینار و
تبرکات و املاک او . . . در حوزه و حصول آورد .»
(ص ۲۵۹) .

این نوع غارت که به دستور مردی دیوانی و مطلع و
کتابدوست انجام شده از باب امحاء و بی توجهی به کتاب
نبوده است . نظیر آن نیست که مغولها در بخارا کردند و صندوق
قرآن و کتب را به آخور اسبان بدل کردند و شرح آن
در تواریخ عصر مغولی آمده است از جمله حافظ ابرو در ذیل
جامع التواریخ بدان اشاره‌ای دارد که اوراق و مصاحف
و کتب را در زیر دست‌وپای آوردند (ص ۱۲۲) . عمل غارت
نظام الدین یحیی به قصد تملک کتب و نقل به کتابخانه شخصی
بوده است ، زیرا قدر کتب نفیس را می‌دانسته .

از کتابخانه‌های مهمی که در غارت از میان رفت
کتابخانه ربع رشیدی تبریز (تأسیس رشیدالدین فضل‌الله طبیب
و وزیر و مؤلف جامع التواریخ) است . حافظ ابرو در ذیل
جامع التواریخ درباره آن می‌نویسد : « . . . زیادت از هزار
خانه که بدیشان منسوب بودند نیز غارت کردند و از ربع
رشیدی و خانه‌های وزیران چندان مرصعات و نقود و اقمشه و
امتنه و کتب نفیس بیرون آوردند که شرح آن را مدتی
باید» (ذیل جامع التواریخ ص ۱۵۱) .

کتب کتابخانه‌های ایران بارها مورد هجوم و غارت

قرار گرفت . يك مورد مهم ديگر دوره هجوم افغانان است در اصفهان . شيخ محمد علي حزين ذيل وقايع « حادثه اصفهان واستيلاى افغانه » درين باب مي نويسد : « ويرمن در آن احوال روزگاري گذشت كه عالم السراير بدان آگاه است و بر آنچه دست قدرتم مي رسيد صرف كردم و بغير از كتابخانه چنان چيزي در منزل من باقي نمانده بود و با وجود بي مصرفي قريب به دو هزار مجلد كتاب را نيز متفرق ساخته بودم و تنمه در آن خانه به غارت رفت . » (تاريخ حزين ص ۵۵)

بهاي كتاب

درباره بهاي كتاب در قرون مختلف اطلاعات مفيد داريم . يك دسته مطالبی است كه در كتابهاي تواريخ و مراجع قديم مندرج است . دسته ديگر بهاي كتابهاست كه پشت اوراق بعضی از نسخه ها ضبط شده . يك دسته هم بهاي كتابهاي است كه طبق سفارش اشخاص كتابت و تهيه شده و بر روی بعضی از نسخه ها بهاي كاغذ و كتابت و جلد آنها محاسبه و ضبط شده است ولي موضوع بحث در مقاله جداگانه ای خواهد بود . از مواردی كه در كتب قديم راجع به بهاي نسخه ها ديده ام شرح مندرج در راحة الصدور را و ندي حكايت از بي ارزشی بهاي كتب در هنگام جنگها و صدمات ناشی از هجوم لشكریان می كند .

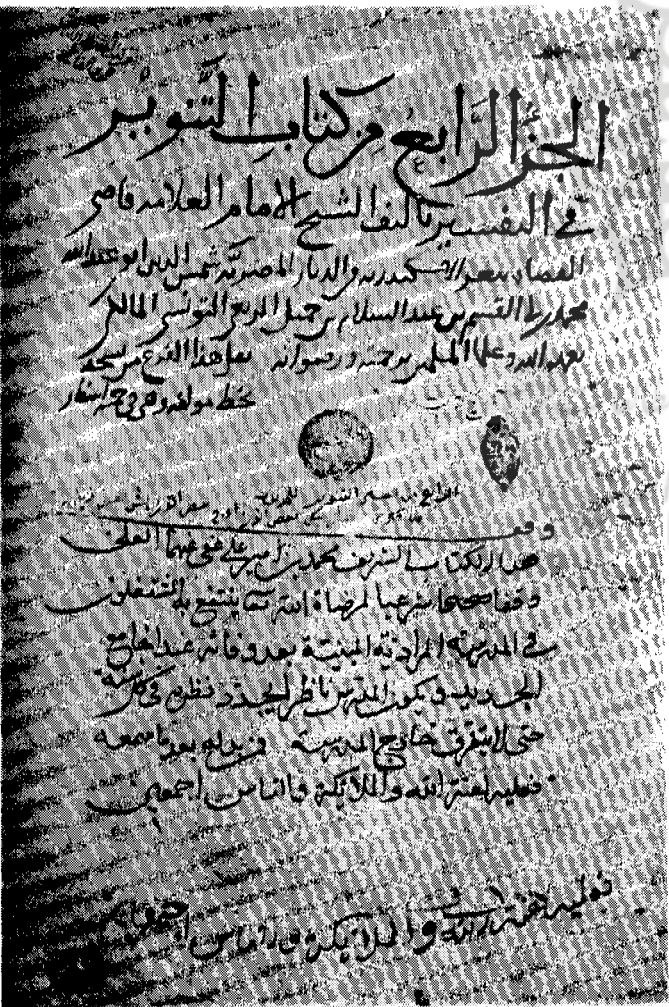
مؤلف كتاب مذكور می نويسد : « و در شهر سنه ثمان و تسعين و خمسمائه (۵۹۸) در حمله عراق (يعنی صفحات مر كزی ايران) كتب علمي و اخبار و قرآن را به ترازومی كشيدند و يك من به نيم دانگ می فروختند و قلم ظلم و مصادرات بر علما و مساعد و مدارس نهادند و همچون از جهودان سرگريت ستانند در مدارس از علما زر می خواستند . » (ص ۳۳)

امروز تصور می كنيم كه نسخه خطی گران است اولی در دنياي قديم هم كتاب چندان ارزان نبود . يگانه علتش كمیابی كتاب بود . كتابهایی كه مخصوصاً به خط اهل علم و با آثار آنان بود كمیاب بود و به گرانی به فروش می رفت . ابن ندیم دو مورد ذكر می كند كه مؤيد اين نظر است يكجا می نويسد كه يحيی بن عدی گفت كه از ابراهيم بن عبدالله نصرانی خواسته بودم كه قسمت سوسفطيقا و قسمت خطابه و قسمت شعر ارسطو ترجمه اسحق را به پنجاه دينار به من بفروشد و فروخت (ص ۴۶۱ ترجمه فارسی) . باز از همو نقل می كند كه گفت شرح اسكندر افروديسی بر كتاب السماع و كتاب برهان را جزء ماترك ابراهيم بن عبدالله نصرانی ديدم و يكصد و ده دينار بهاي آنها مطالبه می كردند . رفتم كه وجه آن را تهيه كنم اما در بازگشتن معلوم شد كه آن دو كتاب با كتابهاي ديگر به مردی خراسانی به سه هزار دينار

فروخته شده بود (ترجمه فارسی الفهرست ص ۴۶۱) .

البته گاه كتب گرانقدر به واسطه احتياج فروشنده يا بي اطلاعی او به ارزانی به فروش می رفت . حكايتی كه ابن سينا در شرح حال خود برای شاگردان و از جمله ابو عبید جورجانی نقل کرده است نمونه ای از اين قضيه است . آن حكايت به نقل از تاريخ الحكماي قفطی (ترجمه فارسی قرن يازدهم) چنین است : « درين اثنا روزی وقت عصر در بازار وراقين (بخارا) حاضر گشتم دلالی را ديدم مجلدی در دست دارد و بر آن ندا می كند . آن را بر من عرض كرد . من آن را بروی رد كردم . مرد کسی كه به تنگ آمده باشد از چيزی و اعتقادش آن باشد كه فايده ای در آن نيست پس دلال گفت بخر اين كتاب را كه بسيار ارزان است و به سه درهم می فروشم كه صاحبش به ثمن آن محتاج است . چون چنین گفت بخريدم آنرا و آن خود كتابی بود از مؤلفات ابی نصر فارابی در بيان اغراض كتاب مابعدالطبيعه . . . » (تاريخ الحكماي

از كتاب التنبير



آثار و کیفیت بر روی نسخه‌ها دیده می‌شود. از عده کثیری دیگری هم که قرن‌ها وقف شده است هیچ نوع خبری و اثری در دست نیست، مانند کتبی که مرزبانی ادیب مشهور زبان عربی به خط خویش نوشته بود و بقول ابن‌الدیم بیش از بیست هزار ورق بود و هم‌را وقف کرده بود (الفهرست ترجمه فارسی ص ۲۲۱) یا کتبی که میرزا مهدی‌خان استرآبادی وقف کرد و شرح آن را در مقدمه دره نادره نوشته است.

از همین نوع کتابهایی است که بر مدرسه انوشروان بی‌خالد در کاشان وقف شده بود و در تجارت‌السلف هندوشاه در باب آن می‌خوانیم که «و کتابهای بسیار بر آن مدرسه وقف کرد . . . آن مدرسه و کتابخانه معمور بود. اما اکنون که ماه محرم است سنه اربع و عشرين و سبعمائه (۷۲۴) شنیدم که آن مدرسه خراب شد و کتابخانه برافتاد» (ص ۳۰۱)

یک نوع از موقوفات در باره کتب اوقافی بوده است برای مصارف وصالی و مرمت آنها. مضمون وقفنامه‌ای که درین باره دیده‌ام و بر سنگ حک شده و بر دیوار حسینیه‌ای در عقدا (میان نائین و یزد) نصب است چنین است که: «وقف نمود سلاله‌السادات حاجی میرزا حسن عقدائی سی کرت زمین باغده عقدا . . و ده کرت آن مرحومه زوجه میرزا علی وقف نمود. پنج کرت آنرا بر صحافی قرآن مسجد و . . .» (یادگارهای یزد جلد اول ص ۴۵۴)

از نسخ وقفی تعداد کثیری در کتابخانه‌ها و گاه نزد اشخاص دیده می‌شود، مانند کتب وقفی شاه‌عباس بر آستان قدس رضوی و آستانه قم و آستانه حضرت عبدالعظیم (شهر ری) و نادرشاه بر آستان قدس.

وقف کردن کتب خطی در عصر ما از مرسوم نیفتاده. اشخاصی چند مانند علی‌اصغر حکمت، خانباها مشار کتب خطی خود را بر آستان قدس رضوی و سید محمد صادق طباطبائی و جمال امامی بر مجلس شورای ملی، سید محمد مشکوة، خاندان امام جمعه کرمانی، علی‌اصغر حکمت بر کتابخانه مرکزی دانشگاه، حاجی محمد آقا و حاجی حسین آقاسی نخجوانی بر کتابخانه ملی تبریز وقف کرده‌اند. از مهمترین مجموعه‌های خطی کتابخانه حاجی حسین آقاسی ملک است که بر آستان قدس رضوی وقف شده است.

بر قرآنی که در سال ۴۲۱ بر آستان قدس (مشهد رضوی) وقف شده یک بیت شعر کتابت شده است که مضمون آن در شرائط مربوط به وقفنامه‌های دیگر نیز دیده می‌شود و آن از نوع نفرین برای کسی است که کتابهای وقفی را بدزدد. آن شعر این است:

ای هر که بدزدد این کراسه

ایزدش بدهد مرگ به تا سه

(نامه آستان قدس رضوی ح ۸ ش ۳ ص ۱۲)

قفطی - ترجمه فارسی ص ۵۵۸).

بهای کتاب به علاقه و شوق خریدار هم مرتبط بود. از جمله در مورد قفطی مؤلف تاریخ‌الحکماء گفته‌اند که کتابفروشان و وراقان از هر گوشه به محضر او می‌آمدند و برو کتاب عرضه می‌کردند. او کتابها را به دو برابر بها می‌خرید (مقدمه ترجمه فارسی تاریخ‌الحکمای قفطی ص ۱۹ بنقل از فوات‌الوفیات ابن‌شاکر ۲: ۱۹۲).

وقف کتاب

یکی از نکته‌های دقیق در تاریخ کتاب اسلامی موضوع وقف آنهاست. چه بسیار کتابخانه‌ها و نسخ خطی که بطور منفرد یا در یک مجموعه به تملک وقف درآمده است و هنوز

مثنوی و اله و سلطان از شمس‌الدین فقیر - نسخه متعلق به خدیجه سلطان - در حواشی و اول کتاب و ملحقات آخر کتاب خطوطی از واله و خدیجه سلطان

